

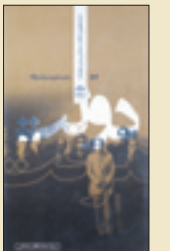
پیش‌خوران

آغاز و انجام «دولت‌موقت»

در آیینه یک پژوهش نوانتشار

فرانو فرود آقای نخست وزیر

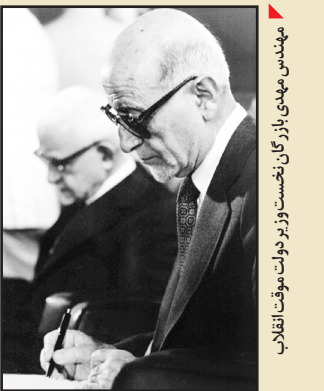
■ **شاهد توحیدی**



چهلمین سالروز تأسیس دولت موقت به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی، فرصتی مناسب‌برای معرفی یکی از آثار منتشره در این موضوع است.کتاب «دولت موقت»از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی با مخاطب جوانان، در زمرة

پژوهش‌هایی است که در این باره سامان یافته‌است.ناشر در دیباچه این تحقیق در باب اهمیت آن، چنین نگاشسته است: «یکی از نقاط حساس تاریخ جمهوری اسلامی، سال‌های تصدی امور کشور توسط نیرزوه‌های ملی و ملی- مذهبی به رهبری مهندس بازرگان است که در نگاه‌غلب مورخین، از نقاط تاریک، مه‌آلود و سراب‌وار محسوب می‌شود. اما امروز، به مدد اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی و نمایان شدن چهره واقعی برخی از اشخاص عمده این جریان، تا حدودی ایهام یاد شده روشن شده است. هر چند، مردم انقلابی که تحلیل امام(ره) و رهبران انقلابی را ملاک عمل قرار می‌دادند، هیچ‌گاه دچار ایهام نشده‌اند و از همان ابتدا و در پی بیانات حضرت امام، نسبت به این قضایا، آگاهی لازم را پیدا کردند. کتاب حاضر، پژوهشی متناسب بااطلاعات سیاسی ومیزان آگاهی‌های نسل سوم انقلاب‌اسلامی و به‌منظور آشنایی آنها با یکی از مهم‌ترین دوره‌های حیات جمهوری اسلامی تدوین شده است و به بررسی نحوه پیدایش، طرز تفکر و اندیشه‌های اشخاص تأثیر گذار، اقدامات و تحرکات نهضت آزادی پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا استعفای دولت موقت و سرانجام این گروه، پرداخته است. در پایان ضمن شکر از محقق محترم آقای محمدعلی صدر شیرازی، از تلاش‌های آقای مهدی حق‌بین، مدیر گروه هنر، جناب آقای علی کردی،مدیر محترم بخش تحقیق و آقای دکتر اکبر اشرفی، معاون محترم پژوهش و همکاران محترم معاونت‌انتشارات قدرانی می‌شود.»

محمدعلی صدر شیرازی مؤلف اثر در فصل مربوط به خاستگاه‌های دولت موقت، درباره چگونگی تأسیس



مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب

نهضت آزادی این گونه روایت می‌کند: «نهضت آزادی زمانی تأسیس شد که به تبع سیاست‌های به‌ظاهر انسان‌دوستانه کشدی، شاه‌مجبور به کاهش فضای اختناق شده بود.پس از سقوط مصدق، یاران وی همچنان گرفتار اختلافات درونی بسیار بودند. برخی ملی گراهامصدق را احساساتی وپازنشته می‌خواندند و گروهی از آنان که نهضت آزادی را تأسیس کردند، موجب شد در اردیبهشت ۱۳۴۰، گروهی از عناصر مذهبی لیبرال با انشعاب از جبهه ملی، گروهی ملی- مذهبی در نخت عنوان نهضت آزادی ایران تأسیس کنند. نهضت آزادی به همان اصول جبهه ملی وفادار ماند. حلقه واسط نهضت آزادی با جبهه ملی را می‌توان نهضت مقاومت ملی دانست. بنا به اذعان اعضای نهضت آزادی، در واقع نهضت آزادی ایران ادامه همان نهضت مقاومت ملی بود.اعضای هیئت مؤسس ۴۲ نفر بودند که بازرگان، دکتر عبدالله سجایی، ایت‌الله طالقانی، مهندس منصور عطایی، حسن نزه، رحیم عطایی و عباس سمیعی، از مهم‌ترین آنان به‌شمار می‌رفتند.» اصول فکری نهضت آزادی نیز، از جمله نکاتی است که مؤلف در این فصل، آن را از نظر درونی نمی‌دارد. وی در این باره چنین تحلیل می‌کند: «حسن نزه در جلسه اعلام تأسیس نهضت، اصول فکری نهضت را این گونه اعلام کرد:

۱-مسلمانیم...دین را از سیاست جدا نمی‌دانیم... آزادی را به عنوان موهبت اولیه الهی، و کسب و حفظ آن را از سنن اسلامی و امتیازات تشیع می‌شماریم...

۲-ایرانی هستیم...

۳-تابع قانون اساسی ایران هستیم ولی منافی (نؤمن) بعضی و تکفربعضی)نبوده‌ایم...

۴-مصدقی هستیم...

در مراسمانه نهضت می‌خوانیم:به حکم مبادی عالیه دین مبین اسلام و قانون اساسی ایران واعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متحد، نهضت آزادی... فعالیت خود را آغاز می‌نماید. با نگاهی ساده به اصول نهضت، نیازی به توضیح بیشتر در خصوص نگاه آنان به اسلام و مسئله جدایی دین از سیاست نیست. اعضای نهضت در عمل نیز ثابت کردند که اسلام را تا آنجایی خواهند که مخالف قانون اساسی شاهنشاهی، مرام سکولار مصدق و حقوق بشر وامیانیستی نباشد.»

■ **احمد رضا صدری**

بازخوانی رفتار مبارزاتی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، می‌تواند از منظرهایی گوناگون انجام پذیرد که یکی از آنها، خوانش نحوه مواجعه ایشان با عدم مشروعیت رژیم پهلوی است.مقالی که هم‌اینک پیش روی شماست، با استناد به پاراهای اسناد تاریخی در پی تحلیل این موضوع است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب و عمووم علاقه‌مندان را مقنید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **در معنا و انواع مشروعیت‌های سیاسی**

یکی از مهم‌ترین مباحث در علم سیاست مشروعیت نظام حاکم است که رابطه مردم و نظام در چهار چوب این معنا پیدا می‌کند و مشروعیت یک نظام سیاسی در اراده عمومی تجلی می‌یابد. در نگاه دینی، مشروعیت، اعتبار خود را از منبع ذاتی مشروعیت، یعنی خداوند که حاکم مطلق جهان و انسان است می‌گیرد اما در نگاه‌های غیردینی، مشروعیت سیاسی منوط به رأی اکثریت مردم است.

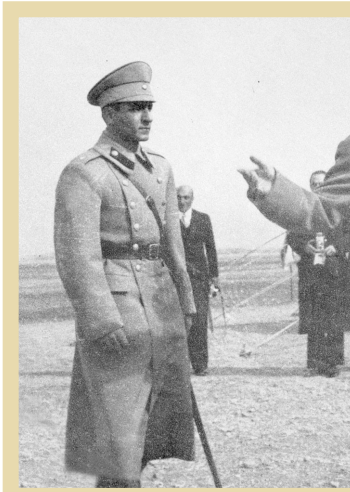
ماکس وبر جامعه‌شناس سیاسی، سه منبع را برای مشروعیت برشمرده است:

۱- مشروعیت قانونی و عقلانی که مبتنی بر قانونی بودن مقررات و نظام حاکمیتی است.
۲- مشروعیت سنتی که مبتنی بر سنت‌های بومی و فرهنگی و اعتقاد به تقدس آنهاست.
۳- مشروعیت کار بزمایی که بر صفات و خصوصیات خاص یک فرد مبتنی است.
مشروعیت سنتی بیشتر در حکومت‌های فئوالی و موروثی- سلطنتی معنا دارد و مبتنی بر ضرورت اطاعت محض از یک شخص و وفاداری به اوست. در مشروعیت کار بزمایی از یک رهبر به اعتبار قهرمان بودن او اطاعت می‌شود اما در مشروعیت قانونی و عقلانی، یک نظام مافوق برای همه تعیین تکلیف می‌کند.حاکمیت سیاسی در اسلام دو وجهی و انتخابی و انتصابی است. در این نظام یکی از شاخصه‌های اصلی مشروعیت، آرای مردم است، پرسش این است که رژیم پهلوی مشروعیت سیاسی خود را از کدام‌یک از این منابع می‌گرفت و برای اعمال قدرت‌از چه اهرم‌هایی استفاده می‌کرد؟

مشروعیت سیاسی از منظر رژیم پهلوی



۱۳۵۷، نوبل پوشاک تو، امام خمینی در یک مصاحبه مطبوعاتی



رضایان در کنار فرزندش واپسین سالیان سلطنت

بحران می‌کردند. امام رژیم پهلوی را نوکر غرب، به ویژه آمریکا و این وابستگی را مایه تحقیر ملت ایران و خلاف استقلال کشور می‌دانستند و معتقد بودند آمریکا بر تمام شئون زندگی مردم مسلمان ایران جنگ انداخته است. ایشان همواره با صراحت خواهان ایرانی مستقل، قدرتمند و عاری از حضور آمریکا بودند. ایشان حکومت پهلوی را حکومتی غیرقانونی می‌دانستند که متفقین به ایران تحمیل کرده بودند و این رژیم نه بر اساس شرع و نه براساس قانون اساسی مشروطه، وجهه قانونی نداشت. ایشان درباره حکومت رضاخان می‌فرمودند: روزی که بیگانگان او را بر سر کار آوردند، به او مأموریت دادند که با قلدری و باسرتیزه، دست به نابودی اسلام بزند، احکام و مظاهر اسلامی را محو کند. انگلیسی‌ها با کودتا او را اسر کار آوردند و بعد هم که بیروشن کردند، گفتند ما او را آوردیم ولی چون به ما خیانت کرد، او را بردیم!

امام همواره نگران تداوم استبداد رضاخانی و خط فکری روشنفکران غربزده بودند و در بیانات و نوشته‌های خود مستمرا در این باره هشدار می‌دادند و خواهان تغییر اساسی در ساختار و مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بودند. ایشان وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا را فقط در وجه سیاسی نمی‌دانستند، بلکه وابستگی اقتصادی او به آمریکا را که لاجرم موجب ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی در ایران شد، مخرب‌تر از وابستگی سیاسی می‌دانستند. واقعیت هم این بود که آمریکا با برپایی بنی‌اساس اقتصادی ونظامی رژیم پهلوی، در واقع لوراز هویت‌وویرژگی عظمت‌طلبی سلطنت‌مدار سازمان جاسوسی آمریکا با تربیت کادرهای اطلاعاتی امنیتی در ایران، زمینه را برای غارت هر چه بیشتر ثروت‌های ایران شاه را به‌انقاده قرار داده‌ای نگین متعدد شربوی کرد. سازمان سیا چنان به قدرت پوشالی شاه ایران باور داشت که وقوع انقلاب در ایران را غیرممکن می‌دانست و مبارزین از نظر او مشتتی دهاتی بودند که به رهبری پیر مردی روحانی خواهان امتیازات اقتصادی بیشتر بودند! امام خمینی که به خوبی ماهیت این رابطه ارباب و نوکر را بین شاه و آمریکا می‌شناختند، ادامه سلطنت محمدرضا شاه را نوعی حاققت می‌دانستند و در برابر پیشتهادت بر خی چهره‌های ملی گرا که معتقد بودند شاه باید سلطنت کند و حکومت را به دست مردم بسپارد، از ساده‌لوحی آنها انتقاد می‌کردند و می‌فرمودند این نهایت ساده‌لوحی است که به کسی که این همه جنایت کرده بگوئیم تو برو و به حکومت کاری نداشته باش و به الواطی‌هایت برس و به این ملتی که این همه خون داده بگوئیم بگذار بد این آقا سلطنتش را بکنند!

■ **امام خمینی و تکیه مداوم بر رابطه شاه با اسرانیل**

امام همزمان با اعتراض به حضور آمریکا در ایران، همواره خطر اسرائیل را گوشزد و بر نامشروع بودن رژیم صهیونیستی تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «ملت اسلام تا این جرمه فساد را از ریشه نکندند، روی خوش نمی‌بینند!»

ایشان با افشاگری‌های مستمر خود در باره رابطه رژیم شاه با اسرائیل به تدریج بی‌اعتمادی مسلمانان را متوجه و مردم مسلمان ایران را به شاه تکیه می‌کردند و می‌فرمودند شاه تمام پست‌های کلیدی را در ارتش، فرهنگ، وزارتخانه‌ها و نهادهای اصلی کشور به دست سرسپر دگان اسرائیل سپرده است. روابط و مصائب زیادی را به بار آورده است. جنایت‌ها شاهان ایران روی تاریخ رساه کرده و حتی خوابان آنها هم مریزا از شقاوت و زذالت نبودند. امام با این هشدار، اندیشه ایرانشهری و برتری بی‌چون و چرای ولقدربهای رعیت را که بخش اعظم کینده سیاسی ایران در دوره پستان دوره اسلامی را دربرمی‌گرفت نوعی مشروعیت سنتی را برای شاه و مرغان می‌آورد، نفی می‌کنند و شجره باریه عصب و طهارت را از این گونه لودگی‌ها مبرا می‌دانند و می‌گویند از به کار بردن کلمه سلطان برای پیامبر گرامی اسلام(ص) واعلیحضرت برای امام زمان(عج) بیزار هستند، زیرا از ابتدای تاریخ بشر همواره اولیا، انبیا، علمای دین در برابر سلاطین و قلدربهای تاریخ ایستاده و بسیاری در این راه به شهادت رسیدند. امام درباره مشروعیت قانونی رژیم پهلوی می‌فرماند:

■ **امام خمینی و استناد به عدم مشروعیت دینی پهلوی‌ها**

یکی از مهم‌ترین محورهای مبارزاتی امام خمینی در سخنرانی ۱۳- خرداد، انتقاد شدید ایشان از رژیم پهلوی و شخص شاه و تشبیه آن به حکومت بنی‌امیه و یزید است. امام در این رابطه تصریح دارد: «غلامی که وقایع روز عاشورا را از نظر می‌گذرانم این سؤال برام پیش می‌آید که اگر بنی‌امیه و دستگاه یزیدین معاویه تنها با حسین سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا نسبت به زن‌های بی پناه و اطفال بی گناه مرتکب شدند؟»

اهمیت این سخن از آنجا ناشی می‌شود که تا پیش از آن، مبارزات امام تنها سیاست‌های رژیم را مورد هدف قرار داده بود اما این سخنرانی و تشبیه حکومت شاه به بنی‌امیه نشان از مخالفت امام با ماهیت رژیم داشت. به عبارتی با شروع قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، چنین خواستی احساس نمی‌شد. در اعلامیه‌ها نیز هدف یادشده به چشم نمی‌خورد. «اول کار حرف ایشان این بود که اینها مشروعیت که شاه ادعای پیروی از آن را می‌کند، او حق دخالت در امور را ندارد و همه اقداماتی که به دستور او انجام شده، غیرقانونی است.

■ **خواستش امام خمینی از عدم مشروعیت رژیم پهلوی به دلیل وابستگی به دول بیگانه**

امام با تأکید جدی و شدید بر وابستگی رژیم پهلوی به غرب و برملا کردن روابط پنهان و آشکار رژیم پهلوی با بیگانگان، مشروعیت سیاسی رژیم را به شدت دچار

شاه به بنی‌امیه نشان از مخالفت امام با ماهیت رژیم داشت. به عبارتی با شروع قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، چنین خواستی احساس نمی‌شد. در اعلامیه‌ها نیز هدف یادشده به چشم نمی‌خورد. «اول کار حرف ایشان این بود که اینها مشروعیت که شاه ادعای پیروی از آن را می‌کند، او حق دخالت در امور را ندارد و همه اقداماتی که به دستور او انجام شده، غیرقانونی است.
■ **پهلوی به دلیل وابستگی به دول بیگانه**
امام با تأکید جدی و شدید بر وابستگی رژیم پهلوی به غرب و برملا کردن روابط پنهان و آشکار رژیم پهلوی با بیگانگان، مشروعیت سیاسی رژیم را به شدت دچار شاه به بنی‌امیه نشان از مخالفت امام با ماهیت رژیم داشت. به عبارتی با شروع قضیه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، چنین خواستی احساس نمی‌شد. در اعلامیه‌ها نیز هدف یادشده به چشم نمی‌خورد. «اول کار حرف ایشان این بود که اینها مشروعیت که شاه ادعای پیروی از آن را می‌کند، او حق دخالت در امور را ندارد و همه اقداماتی که به دستور او انجام شده، غیرقانونی است.
■ **... و کلام آخر**
امام خمینی با تکیه به هوش سرشار و ویژگی‌های شخصیتی ممتاز خود، ماهرانه جنگ روانی را به مواضع دشمن کشاندند و از این جهت راه پیروزی را هموار کردند. ایشان به‌اتکای رابطه مبتنی بر اعتماد محض بین خود مردم توانستند کشتی انقلاب را از دریاهای بلاخیز و توفان زا به سلامت عبور دهند و در طول سه دهه نور امید را در دل مبارزان و انقلابیون شعله‌ور نگاه دارند.

عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۳۷

۹ جوان

شده بود، در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) به‌صورت جنبش سازمان یافته مارکسیست اسلامی درنیامده بود... ولی در اواخر دهه ۱۹۷۰، ایران و حکومت من، قهر این اتحاد نامقدس را تجربه کرد. محرک شورش سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲)، روح‌الله خمینی، شخص گمنامی بود که ادعای کرد یک رهبر مذهبی است، به هر حال آنچه مسلم است او با عوامل خارجی روابط محرمانه داشته‌است» اما واقعیت آن است که امام منتقد اصلی نفوذ بیگانگان و از تباط شاه با آنان به‌خصوص و آمریکا و رژیم اسرائیل بود. ایشان حتی در سخنرانی خود به نفوذ شوروی و نقش آن در غارت اموال عمومی اشاره کرد و با یادآوری این موضوع، خواستار پایان بخشیدن به سلطه بیگانگان بود.

■ **امام خمینی و تمسک به عدم مشروعیت تا واپسین گام مبارزه**

امام تا سقوط رژیم پهلوی اعتراض خود به مشروعیت آن را لحظه‌ای رها نکرد و همزمان با فرار شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، دولت بختیار را نیز غیرقانونی و غیرمشروع اعلام کردند و حتی زمانی که بختیار اعلام کرد می‌خواهد با امام در پاریس ملاقات کند، فرمودند تا استعفا ندهد او نخواهند پذیرفت.

یکی از مسائلی که امام در طول سال‌های مبارزه با جدیت تمام روی آن تأکید داشتند، رابطه دربار پهلوی با دولت غاصب اسرائیل بود. در زمانی که اکثر کشورهای مسلمان با تشکیل دولت غاصب اسرائیل مخالف بودند و آن را به رسمیت نمی‌شناختند، شاه در ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن پیشقدم شد و حجم مبادلات خود را به شکل بارزی افزایش داد. رژیم پهلوی به دلایل متعددی خواهان رابطه با اسرائیل بود، از جمله:

* تفرغ از دولت‌های عربی چون عراق و مصر
* تبادلات امنیتی
* آموزش مأموران ساواک توسط مأموران اطلاعات مוסاد

* مقابله با چریک‌های ایرانی از قبیل شهید دکتر چمران که در پایگاه‌های نظامی فلسطین آموزش می‌دیدند.

رژیم پهلوی دست صهیونیست‌ها را در ایجاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران کاملاً باز گذاشت و رابزین فرهنگی اسرائیل در ایران با حمایت گسترده از نویسندگان، مدیران و هنرمندان ایرانی، گزارش‌ها و تفاسیر متعددی را به نفع اسرائیل چاپ می‌کرد. دکتر علی امینی تحت لوای اجرای اصلاحات ارضی، زمینه را برای برقراری روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی میان رژیم ایران و رژیم صهیونیستی بیش از پیش هموار کرد و به برخی از چهره‌های سرسپرده آن رژیم در کابینه خود مسئولیت سپرد. پس از تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳، او همچنان به صدور نفت به اسرائیل ادامه داد و این اقدام او تأثیر بسیار زیادی در کاهش محبوبیت وی نزد مردم داشت.

■ **عدم مشروعیت مبارزات مسلحانه نزد امام خمینی**

یکی از نکات بر جسته اندیشه سیاسی امام، عدم اعتقاد به مبارزه مسلحانه و عدم توسل به خشونت بود، در حالی که در عرف سیاسی جهان، انقلاب غالباً با خشونت و خونریزی مآلزم است. هنر امام این بود که بدون استفاده از شیوه‌های معمول، حرکت اعتراضی مردم را به گونه‌ای رهبری کردند که انقلاب اسلامی با حداقل تلفات انسانی به پیروزی رسید. امام حتی در دوران اوج گیری اعتراضات و بحران‌ها که بسیاری از افراد و گروه‌ها خواهان مبارزه مسلحانه بودند، به شیوه خاص خود ادامه دادند و این احساس را در مردم به وجود آوردند که انقلاب با کسی سر جنگ ندارد و مبارزان و انقلابیون تنها در پی احقاق حقوق از دست رفته خود هستند.

امام ا اینکه احتمال انتخاب نبرد مسلحانه برای سرنگونی رژیم شاه را منتفی نمی‌دانستند و بارها رژیم شاه را به دادن حکم جهاد تهدید کرده بودند اما تاکتیک اصلی خود را بر روش‌های مسالمت‌آمیز، تظاهرات خیابانی و اجتناب از شیوه‌های خشونت‌آمیز قرار داده بودند. بر خی از شیوه‌های مبارزاتی امام که مردم را به اجرای آنها دعوت می‌کردند، عبارت بودند از:

* شرکت نکردن در مساجد وابسته به رژیم پهلوی
* تحریم کاربرد تقویم شاهنشاهی
* تحریم شرکت در حزب رستاخیز
* افشای ماهیت روحانیون وابسته به دربار
* عدم پرداخت مالیات و عوارض
* انجام راهپیمایی‌ها و تظاهرات آرام
* پیش‌بینی‌های اعتراضی
* نوشتن نامه‌های اعتراض‌آمیز به سران و کارگزاران دولت
* عدم مراجعه به دستگاه‌ها و ادارات دولتی، به ویژه قضایی و باطل دانستن احکام قضات شاهنشاهی
* عدم همکاری با مأموران و عمال حکومتی و خاندان پهلوی

امام با همین شیوه، مهار از تش را از دست رژیم خارج کردند تا به جای تقلیل بارم‌دم، در کنار آنها به مبارزه با رژیم شاه بپردازند، به طوری که عدای درجه‌داران و سربازان به گارد شاهنشاهی حمله کردند و عدای از سران گارد را به هلاکت رساندند. امام، انقلاب را برای کوتاه کردن دست اسرائیل از منافع و مصالح مسلمانان یک امر دینی و رابطه با اسرائیل را حرام و فروش اسلحه و نفت به این رژیم را مخالفت با اسلام می‌دانستند.

■ **... و کلام آخر**

امام خمینی با تکیه به هوش سرشار و ویژگی‌های شخصیتی ممتاز خود، ماهرانه جنگ روانی را به مواضع دشمن کشاندند و از این جهت راه پیروزی را هموار کردند. ایشان به‌اتکای رابطه مبتنی بر اعتماد محض بین خود مردم توانستند کشتی انقلاب را از دریاهای بلاخیز و توفان زا به سلامت عبور دهند و در طول سه دهه نور امید را در دل مبارزان و انقلابیون شعله‌ور نگاه دارند.